

نام: حسین

نام خانوادگی: قجهای ریزی

نام پدر: جواد

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۶/۱۴

محل تولد: زرین شهر

تحصیلات: سوم متوسطه

وضعیت تأهل: مجرد

تاریخ عضویت: ۱۳۵۸

مسئولیت: جانشین عملیات تیپ ۲۷

محمد رسول الله (ص)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۵

محل شهادت: جاده اهواز - خرمشهر

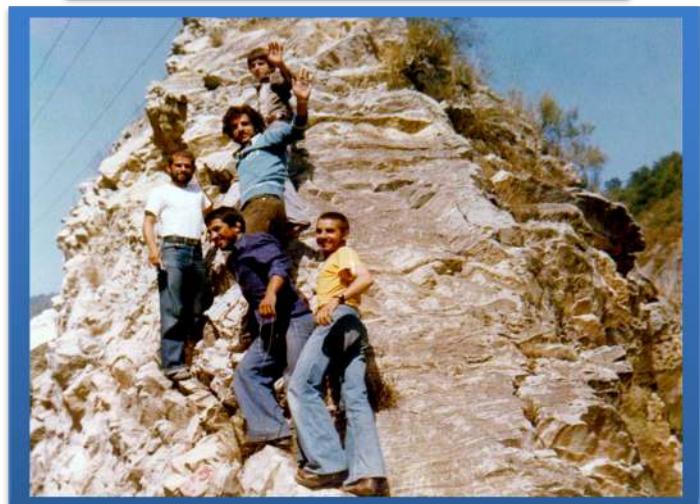
نحوه شهادت: اصابت گلوله آر.پی. جی

محل دفن: زرین شهر



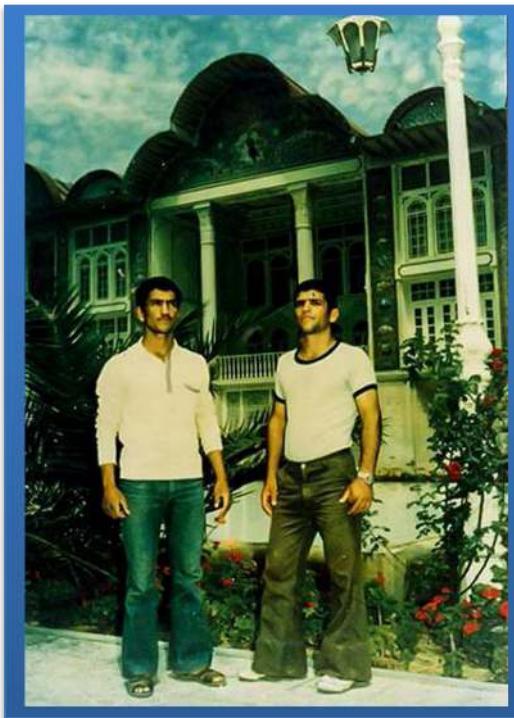
حسین چهاردهم شهریورماه سال ۱۳۳۷ در زرین شهر به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و همه اهل خانه از جمله حسین باید در کار کشاورزی به او کمک می کردند.

روحیه و اخلاق خوبی داشت و به همین خاطر، نماینده کلاس‌شان بود. کلاس پنجم بود که پا به میدان ورزش گذاشت و با کوهنوردی و کشتی به تقویت جسم و روح خود پرداخت.

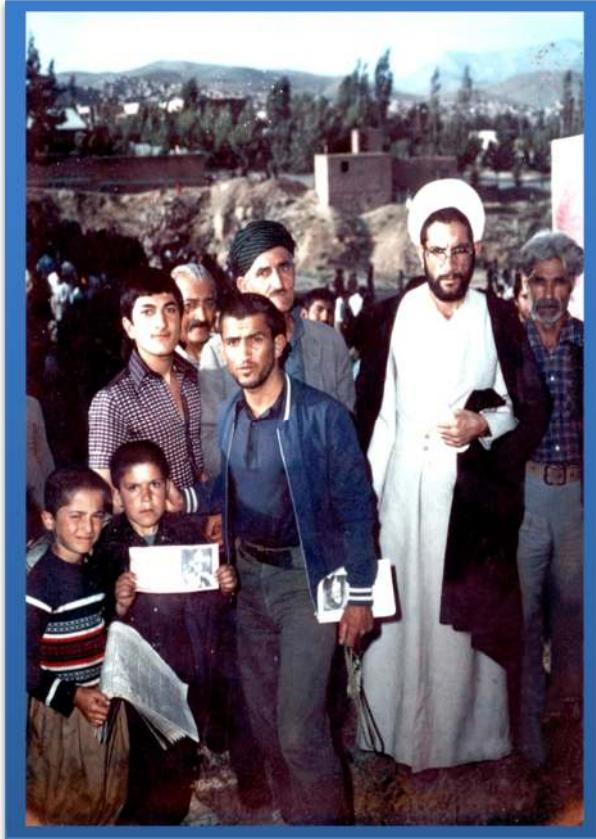




استخوان‌بندی قوی و هیکل تو پُر، اما ریزن نقش حسین باعث شد تا خیلی زود پله‌های ترقی را طی کند و در وزن‌های ۴۸ و ۵۲ کیلوگرم قهرمان کشتی جوانان کشور شود.



فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی‌اش علیه رژیم پهلوی را از سال ۱۳۵۳ شروع کرد و در قم توسط مأموران ساواک تعقیب و دستگیر شد.

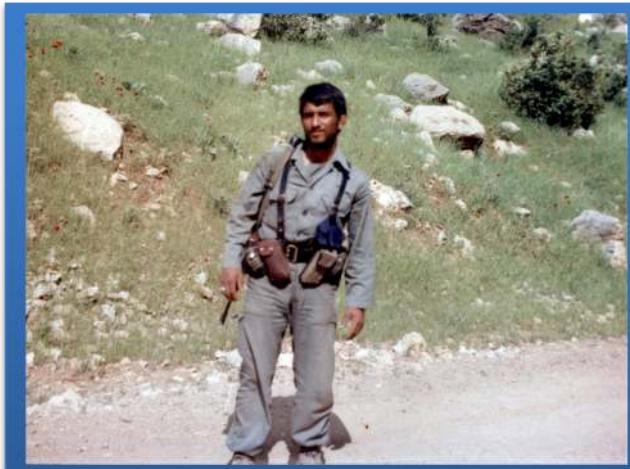
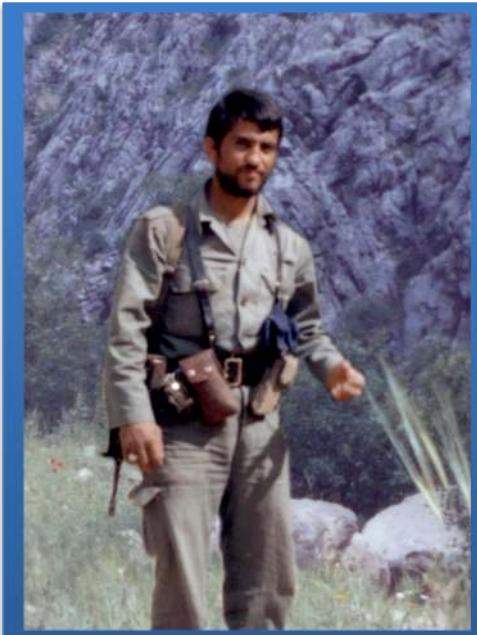
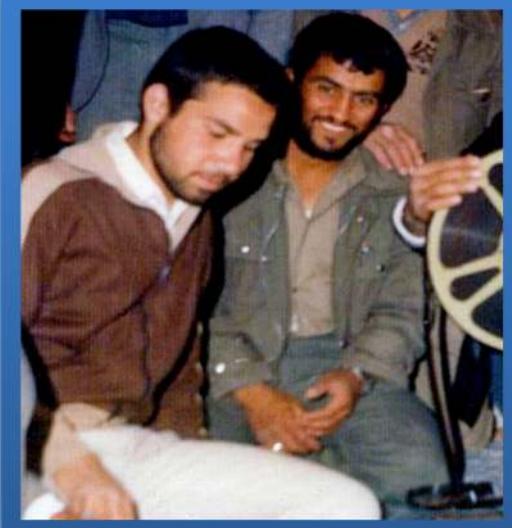


با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری کمیته‌های انقلاب و بعد از آن سپاه پاسداران، حسین یکی از افراد مؤثر در این زمینه در شهر خود بود. او از بنیان‌گذاران سپاه زرین شهر بود و در واقع فرماندهی آن را به عهده داشت.

سال ۱۳۵۸ همزمان با اوج‌گیری درگیری‌ها در کردستان مدتی ناپدید شد؛ بعداً برای بررسی اوضاع و احوال منطقه با لباس مبدل(کُردي) به کردستان رفته بود.



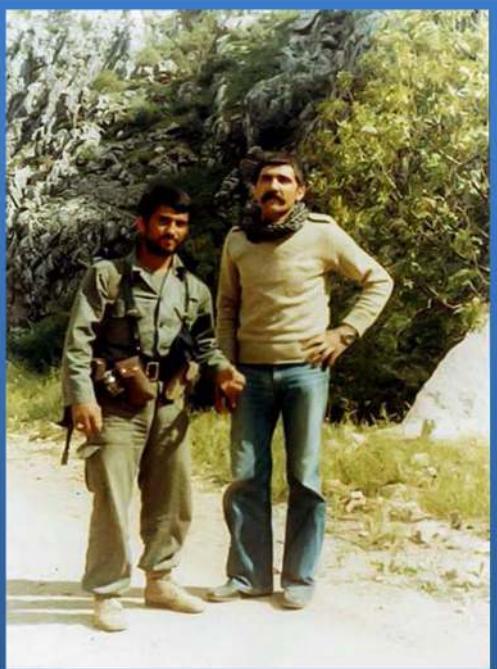
با تکیه بر اطلاعاتی که به دست آورده بود، در آزادسازی شهر ستنندج از محاصره اشرار و ضدانقلاب نقش بسیار مؤثری داشت.



بعد از آن در آزادسازی و پاکسازی سایر شهرها و محورهای مواصلاتی منطقه شرکت کرد.

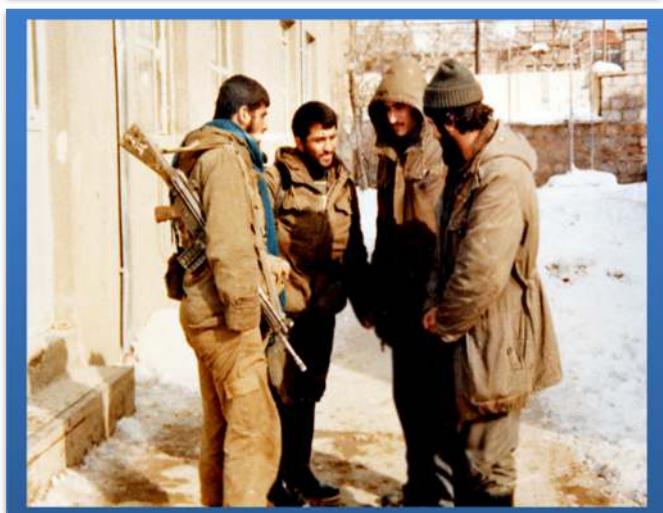
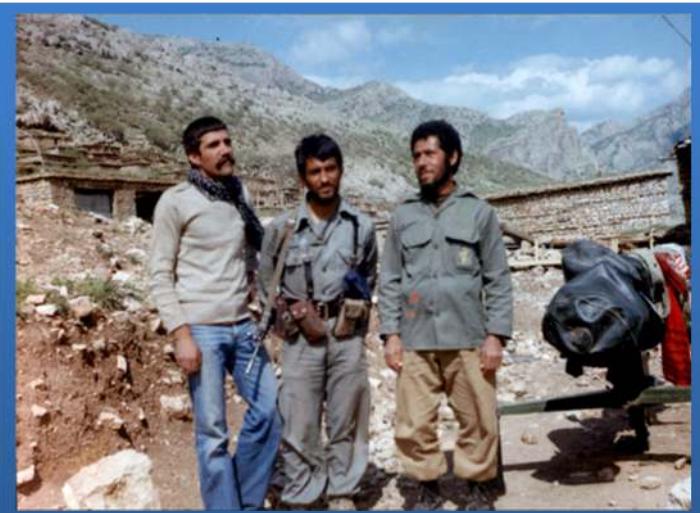


پس از چندی به زرین شهر برگشت و این بار با همراهی پدر و برادرش حسن به کردستان رفت.





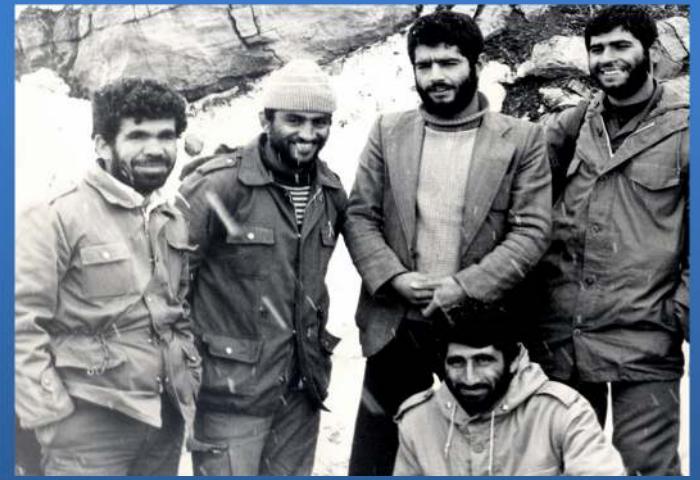
این بار حسین و همراهانش به مریوان اعزام شدند و آنجا بود که با حاج احمد متولیان آشنا شد.



آذرماه ۱۳۵۹ در جریان عملیاتی گستردگی در دزلي با ارتقای سر به فلك کشیده و پوشیده از برف چنان مؤثر و بي بديل عمل کرد که حاج احمد فرماندهي سپاه دزلي و اورامان را به او سپرد.



بعد از آن با نیروهایش در عملیات محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) شرکت کرد. مؤقتی آنها در این عملیات موجب شد به فکر سازماندهی تیپی برای اجرای عملیات‌های برونمرزی بیفتند.



تیپ راهاندازی شد و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) نام گرفت. به جنوب کشور منتقل و برای مقابله با تجاوزگران بعضی در دو کوهه مستقر شد.





به عنوان فرمانده گردان سلمان فارسی تیپ ۲۷  
محمد رسول الله (صلی الله علیہ و آله) در عملیات فتحالمبین  
شرکت کرد.



بعد از آن همراه ۳۰۰ نفر از نیروهای کرج در عملیات  
إلى بيت المقدس شرکت کرد. از کارون گذشت، جاده اهواز  
- خرمشهر را تصرف کرد و سه شبانه روز برای تثبیت  
اهدافش مقاومت کرد.





حسین و نیروهای گردانش در محاصره بودند. تانک‌های دشمن هر لحظه به آنها نزدیک‌تر می‌شدند. از پشت سر و رو به رو آنها را می‌کوبیدند. علاوه بر سلاح‌های سبک چند قبضه آرپی‌جی تنها دارایی گردان سلمان برای مقابله با دشمن بود.



دستور عقب‌نشینی صادر شد، ولی دیگر دیر شده بود. حسین و یارانش یا باید سلاح را زمین می‌گذاشتند و تسلیم می‌شدند و یا تا آخرین قطره خون مقاومت می‌کردند. بیشتر نیروهایش شهید و مجروح شده بودند، اما آنها یکی که باقی‌مانده بودند ناباورانه مقاومت می‌کردند.

حسین یک تانک را منهدم کرد و برای شکار دومین تانک بالای خاکریز رفت، اما این بار تانک دشمن پیش دستی کرد و او مظلومانه به شهادت رسید.

